

## (طلا و ترکیبات معدنی)

### ومعادن معروف آن

طلا فلزیست مشہور بہ سلطان فلزات کہ انسان ہا انرا از زمان قدیم شناخته اند چنانکہ در نتیجہ حفريات بعضی زبورات و آلات و ظروف طلائی را از (۳۵۰۰) سال قبل بدست آورده اند .

این فلز بمناسبت اینکه غیر قابل فساد است عموماً بطور خالص یافت میشود کہ مطابق قانون کرسٹلو گرافی (بلوریت) وغالباً در رگہای معدنی کوارتز (سنگ بلور یا بیک) وجود دارد کہ بعضی اوقات در نتیجہ اثرات هوا یا آب قطعات کوارتز منہدم و از ہم پاشیدہ بہ ریزک تبدیل میگردد و این رگہا دارای خاک طلا میباشند کہ موسوم هستند بہ رگہای طلائی ہر گاہ ریزک های مذکور در محل جریانات آب واقع باشند آب آنها را در رودها و دریا چہا و بالاخرہ در بچرها نقل میدہد کہ میتوان ذرات طلا را از آب چنین دریاها بوسیلہ عمل زرشوئی بدست آورد و مقدار طلا در ہزار کیلو گرام آب دریاہای زرخیز ۱۰۰۰ تا ۱۰۰۱۱ گرام وجود دارد .

علاوہ بر اینکه طلا بدون مواد خارجی یعنی بطور خالص در معادن یافت شدہ است بعضی ترکیبات معدنی آن بصورت سلفاید (ترکیب یک عنصر را یا کوگرد سلفاید می نامند) نیز در قدرت وجود دارد .

و گاہی با ترکیبات معدنی مس و سرب و نقرہ بمقدار خیلی کم مخلوط میباشد ؛ کہ ترکیبات کانی طلا دار عبارتند از: آیرن پیریت (سرب آهن و گوگرد) و کاپر پیریت (سرب مس و آهن) گوگرد و گالینت (سرب و گوگرد) .

استخراج طلا از مواد معدنی مذکورہ وسایل مختلفہ دارد

ملفت باید بود کہ طلا بامادہ تراوریم بصورت مخلوط نیز یافت میشود .

صفات طبیعی و کیمیای طلا :- فلز طلا هیچ وقت در مجاورت هوا فاسد نمی شود . رنگ آن زرد و بعضی اقسام آن برنگ زرد مایل بہ سرخی دیدہ می شود . اگر آن بر تخته کانی مالیدہ شود اثری از آن برنگ زرد درخستہ جلوه افروزی میکند ، جلای فلزی شدید دارد ؛ قابلیت ورق ساختن و سیم ساختن این فلز از کلیہ فلزات بیشتر است بطوریکہ ورق طلا را باندازہ نازک میتوان کرد کہ ضخامت بدست ورق آن باندازہ ضخامت یک ورق کاغذ گردد استقامت زیاد ندارد و بمناسبت نرمی در هیچ موردی مستعمل نیست زیرا کہ بزودی سائیدہ شدہ و از وزن آن کاستہ می شود و ہمین جهت برای اینکه طلا قابل سکہ و ساختن اسباب شدہ از سی تا چهل و پنج قسمت مس بان شامل می کنند تا سخت و مضبوط گردد (در ممالک غرب معیار اشیای طلائی از استمرار است کہ ساختن سکہها در ۹۰۰ گرام طلا ۱۰۰ گرام مس و برای ساختن نشاتها در ۹۱۶ گرام طلا ۷۴ گرام مس و برای ساختن آلات زینت و زبور در ۹۲۰ گرام طلا ۸۰ گرام مس و در ساختن ظروف با ۷۵۰ گرام طلا ۲۵۰ گرام مس مخلوط میکنند) درجہ سختی طلا از ۵ تا ۳ و وزن مخصوصش ۱۹، ۱۵۷ ، ہمین جهت از مخلوط بودن فلز دیگر با آلات طلائی قلت وزن مغشوشی بودن آنرا ثابت میسازد و وزن مخصوص طلائی مغشوش عبارت خواهد بود از ۵ و ۱۵ تا ۱۹ ، فلز مذکور در تحت اثر چکش بہن میگردد و ہمین صفت میتوان آنرا از ترکیبات معدنی ہمرنگ آن نیز داد زیرا کہ دیگر مواد معدنی طلائی رنگ در تحت اثر چکش میدہی شوند .

طلا موصل حرارت و برق است در ۱۰۶۴ درجہ میزان حرارت سانتی گرید ذوب می شود و در درجات بلند تر یعنی در حدود ۲۵۰۰ درجہ سانتی گرید بصورت بخار تبدیل خواهد شد . اگر طلا را بوسیلہ بلور پائیب (کیچ پفک) حرارت شدید رسانیدہ شود ذوب شدہ شکل مدور را

اختیار میکنند؛ با اکسیجن بلا واسطه ترکیب نمی شود، هوای خشک یا مرطوب در هیچ درجه حرارت در آن موثر نیست، در سیلاب حل میشود و از نتیجه انحلال ملغمه طلا بدست می آید، که عرب آن را (عمل القوام) مینامند، هیچ تیزاب به تنهایی حتی بدرجات عالی حرارت نمی تواند که در طلا تاثیر کند صرف مخلوط از يك حصه تیزاب شوره و سه حصه تیزاب نمک که موسوم به تیزاب ساطانی (تیزاب فاروقی) است طلا را بسهولت حل می کند و مهمترین ملح مستعمل طلا را که عبارت از (گولد کلورائید) است تشکیل میدهد.

طلا در آب کلورین نیز حل می شود و محلول سی انانائیدهای پتاسیوم و سدیم را نیز طلا حل می توان کرد.

مواد معدنی که مانند طلا دارای رنگ زرد هستند عبارت اند از کاپر بریت  $\text{Cu Fes}_2$  و آیرن بریت  $\text{Fes}_2$  و بسوت و ابرک زرد، ولی مهمترین هدایت و شناخت طلا این است که طلا در تحت اثر چکش پهن و دیگر ترکیبات معدنی هم رنگ آن در نتیجه ضربه می شوند، این خاصیت یکی از صفات متمایز طلا است.

طریق استخراج طلا، برای استخراج طلا (از سنگها) مواد معدنی است سلفاید را در مجاورت جریان هوا حرارت میدهند درین صورت گوگرد آن سوخته و با اکسیجن (مولد الحیات) هوا آمیخته به صورت گاز سفرویدای اوکساید  $\text{SO}_2$  متصاعد میشود و در نتیجه عمل طلا رسوب می کند.

برای استخراج طلا از قطعات (سنگ گوارتز) در مجاورت جریان آب تحت اثر خود سنگها را میزدند و خورد میکنند، جریان آب آنها را در سطح مؤثر که بلافاصله بعد از چکش ها قرار گرفته عبور میدهد. و ذرات طلا نسبت به سنگینی خود در مجاورت جدارها که با فاصله های متساوی بر محل جریان آب ساخته شده اند متوقف می گردد. در نتیجه این عمل بعد از هر چند دقیقه مقداری سیلاب بران میزنند تا طلا را بصورت ملغمه جذب نموده نگاه دارد، باقیانده گیل و لای را که اندکی دارای ذرات طلا می باشند در آب کلورین داخل می کنند که در نتیجه (گولد کلوراید) بصورت محلول تولید خواهد شد.

برای استخراج طلا از (ریگهای طلائی) نیز عمل بطریق فوق الذکر است زیرا درین مورد به چکش های جریقیل احتیاج نمی آید.

بالاخره برای بدست آوردن طلا از سیلاب، همان عمل را که برای جدا کردن نمک از آب انجام داده می شود مجری میدادند یعنی ملغمه را در یک قسم قرع و انبیه تقطیر میکنند، سیلاب در تحت اثر حرارت تبخیر شده در حصه های سرد ظرف بصورت تقطیر جمع میشود و طلا در قرع باقی میماند که می توان سیلاب آن را مجدداً بکار برد.

باید دانست طلائی که بدین طریق دستیاب شده خالص نیست و معمولاً با مقدار مس و آهن و نقره و سرب و فلزات دیگر مخلوط است لهذا برای تصفیه آن طلای ذیرخالص را در ریگهای طلائی (طلای سفید) که در آن تیزاب گوگرد باشد قرار داده تیزاب گوگرد را جوش میدهند درین حالت تیزاب گوگرد ماسوای طلا و طلای سفید جمیع فلزات دیگر را حل کرده و بدین وسیله تصفیه طلا صورت میگیرد.

استخراج طلا واسطه برق بسیار رواج یافته است معادن طلا در دنیا ازین قرار است:

(۱) افریقای جنوبی: - در اراضی جنوبی ترانسوال در سال ۱۳۰۳ هجری طلا مخلوط با کوارتز و خاک رس یافت شد، بعدها معادن مهم طلا در تمام نقاط افریقای جنوبی کشف گردید، چنانچه این نقطه زرخیز در ابتدای قرن حاضر از حیث حاصلات طلا مقام اول داشت در سنه ۱۳۳۲ تقریباً (۳۹۰۰۰۰)

کیلو گرام طلا معادل قریب ( ۵۵۷۹۴ ) سیر کابل ( هفت کیلو گرام مساوی است با یک سیر کابل ) در کلیه معادن این ناحیه بدست آمد ، اما بعد از جنگ عمومی تزل کرده در سال ۱۳۳۸ هـ از ( ۲۶۸۰۰۰ ) کیلو گرام زیاد تر استخراج نیگردید .

( ۲ ) ممالک متحده امریکا :- در سال ۱۳۶۵ هـ در موضع کالیفورنیا خاک طلائی را بدست آوردند تا اینکه کالیفورنیا مدت زیاد در ممالک متحده از حیث دارائی طلا درجه اول را داشت ، بعد ها نقاط زر خیز دیگری کشف شده و از کالیفورنیا سبقت صحراد و در سال ۱۳۴۲ مقدار طلای ممالک متحده امریکا به ( ۱۳۴۰۰۰ ) کیلو گرام رسیده بود اما بعد از جنگ عمومی از ( ۹۴۰۰۰ ) کیلو گرام تجاوز نیکرد .

( ۳ ) استرالیا :- معدن طلا را تئوساوتو و یلز و ویکتوریا در سال ۱۳۶ هـ کشف کردند و با وجود مشکلات زیاد از قبیل فقدان وسایل حمل و نقل وعدم کفایت آب برای شست وشو و غیره به استخراج آن اقدام نمودند و فعلاً مقدار زیاد از قسمت استرالیای غربی بدست می آید .

زلاند جدید نیز از حیث دارائی معادن طلا اهمیت دارد و در سال ۱۳۳۸ مجموعاً از استرالیا در زمانه جدید تقریباً ( ۴۱۰۰۰ ) کیلو گرام طلا استخراج شد .

( ۴ ) مکزیکو :- در سال ۱۳۳۸ هـ متجاوز از ( ۲۸۰۰۰ ) کیلو گرام طلا از معادن این مملکت بدست آورده اند و معادن آن در حال ترقی است .

( ۵ ) کانادا :- وجود طلا در سواحل اکثر رود خانه های کانادا ثابت است اما نقاط زر خیز مهم این مملکت در بین رود خانه میکیزی و الاسکا وجود دارد در سال ۱۳۳۸ هـ از معادن این مملکت مقدار ( ۲۴۰۰۰ ) کیلو گرام طلا استخراج کرده اند .

سیبیریا : بعد از سال ۱۲۴۶ چون در توحی پوران الطائی اقدام به عمل طلا شویی نمودند طلا این مملکت اهمیت پیدا کرد و پس از چند مدت در سیبیریای غربی و مرکزی مخصوصاً در مرسوبات زر خیز شعبات دریای آمو نیز به استخراج طلا پرداختند تا اینکه در سال ۱۳۳۲ هـ پیش از ( ۳۳۰۰۰ ) کیلو گرام طلا از سیبیریا حاصل کرده بودند ولی در سال ۱۳۳۸ هـ طلای این قطعه به ( ۱۲۰۰۰ ) کیلو گرام تزل کرد .

دیگر از قطعات زر خیز دنیا افغانستان ، جاپان ، هندچینی و هنگری و آلمان ، دول امریکای جنوبی و هندوستان است .

در سال ۱۳۳۸ هـ از کلیه معادن عالم مجموعاً ( ۴۵۰۰۰ ) کیلو گرام طلا استخراج گردیده بود ، معدن طلای قندهار نسبت به سوابق در خشان خود خالی از اهمیت نبیاشد این معدن در سال ۱۲۷۷ هـ کشف و در همان وقت و هم در سال ۱۲۹۱ هـ از طرف حکومت بتوسط انگریز ها بکار افتید بعد ها از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۶ هـ در عهد حکومت اعلیحضرت شهید بختیار و استخراج این معدن اقدام کرده شد ولی از باعث فقدان آلات و اسباب کان کنی و غیره موفقیت حاصل نشد ، که حسب مظلوم ازان فائمه گرفته می شد ، در عصر امانی از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۷ هـ عبیدالله خان متخصص هندی در یازده نقطه ، معدن مذکور کار انداخته از کشف چندرگهای گرانبه جدید حکومت را اطمینان داد ، ما بعد از چند ماه انقلاب خانانوسوز در افغانستان رویداد که این کشفیات و زحمات نیز بی بیجه ماند ، یقین است که در این عصر مشع طلائی در نتیجه توجهات مامورین فعال حکومت نادر شاهی این معدن قیمتی بعد از معاینه علمی و خبریاتی ابتدائی بطور

اساسی و فنی بکار افتیده - و ثروت وطن رو بازدياد رفته ما را از احتياج برهانند .  
فعالاً زرشوئی دريای کرکچه بطور قتی تحت مراقبت و عمليات ابتدائی گرفته شده است و برای پيشرفت این  
مقصد به تهیه ماشین ها و سامان زرشوئی وغيره، دولت اقدامات اساسی نموده است .



## خلاصه تاریخ جراید در افغانستان

جرایده در اروپا قبل از قرن ۱۹ مانند امروز رونقی نداشته است ، پیش از قرن ۱۲ هر وقتیکه نشرخیز مہمی را خیال میداشتند مطالب خود را به صحیفه نگاشته بدیواری چسپانیدند یا بمقامات ظوایف میفرستادند تا مردم آنرا میخواندند .

افغانستان نیز که مدتہا دچار کشمکشهای داخلی و خارجی بوده باوجود آن ازینگونه نشرات و آثار خالی نبوده اما متأسفانه آن آثار پامال مر که جویان گردیده و امروز اثری از آن موجود نیست .

زمانیکه افغانستان تا اندازه سکون یافت دوره سلطنت اعلحضرت شیر علیخان ( ۱۲۸۵ هجری قمری ) بود ازین تاریخ به بعد افغانستان نشرات ، و جریده مانند دیگر جراید دنیا داشته است که اسامی آنها بطور مختصر ذیلآ نگاشته میشود :

### جریده شمس النهار :

عبارت از مجموعه هفته واریست که در ۱۶ صفحه به چاپ سنگی در سال ۱۲۹۰ قمری حاوی مقالات اجتماعی ، اخلاقی ، خبرهای داخله و خارجه از بالا حصار کابل نشری یافت .

### سراج الاخبار افغانستان :

جریده ایست که در سال ۴ سلطنت اعلحضرت شهید ققط یک شماره آن به چاپ سنگی نشر شده و مدیر آن مولوی عبدالرؤف خان بوده است .

### سراج الاخبار افغانیہ :

یکی از جراید نامدار و باقصر وطن است که در سال ۱۲۹۰ شمسی تاریخ ۱۶ میزان به سر تحریری فاضل شہر محمود بیگ طرزی نشر گردیده است .

### سراج الاطفال :

این جریده نیز در کابل بتدیریت فاضل محمود بیگ طرزی بتاریخ ۱۵ میزان ۱۲۹۷ ، به نشر آغاز نموده و مضامین آن برای تنویر افکار اطفال بوده است .

### امان افغان :

اولین شماره آن در کابل دواواتل حمل ۱۲۹۹ به سر تحریری جناب عبدالهادیخان شروع شده بعد از آن آقای پاینده محمدخان و سپس آقای عبدالجبار خان ، آنرا نشر می نمودند ، بعد از آن جناب فاضل دانشمند سید محمد قاسم خان سردبیر آن بوده و مدتی هم آقای غلام احمد خان مرحوم بوکالت سردبیر ایضای وظیفه مینمودند ، بعد از آقای غلام احمدخان ، غلام نبی خان جلالت آبادی بوکالت کار میکرد .

### اتحاد مشرقی :

مؤسس این جریده اعلحضرت هزیونی محمد نادر شاه غازی است که در آن زمان رتبه سپه سالاری ( وزیر حربیہ ) داشتند شماره اول آن بتاریخ ۱۳۳۸ قمری مطابق ۱۲۹۸ شمسی از جلالت آباد بتدیریت آقای برهان الدینخان

# اربابِ حُرّانہ و مجلاتِ معاصرِ وطن



جناب مولوی برہان الدین خان کشمیری مدیرِ جریدہ  
فریدہ اصلاح



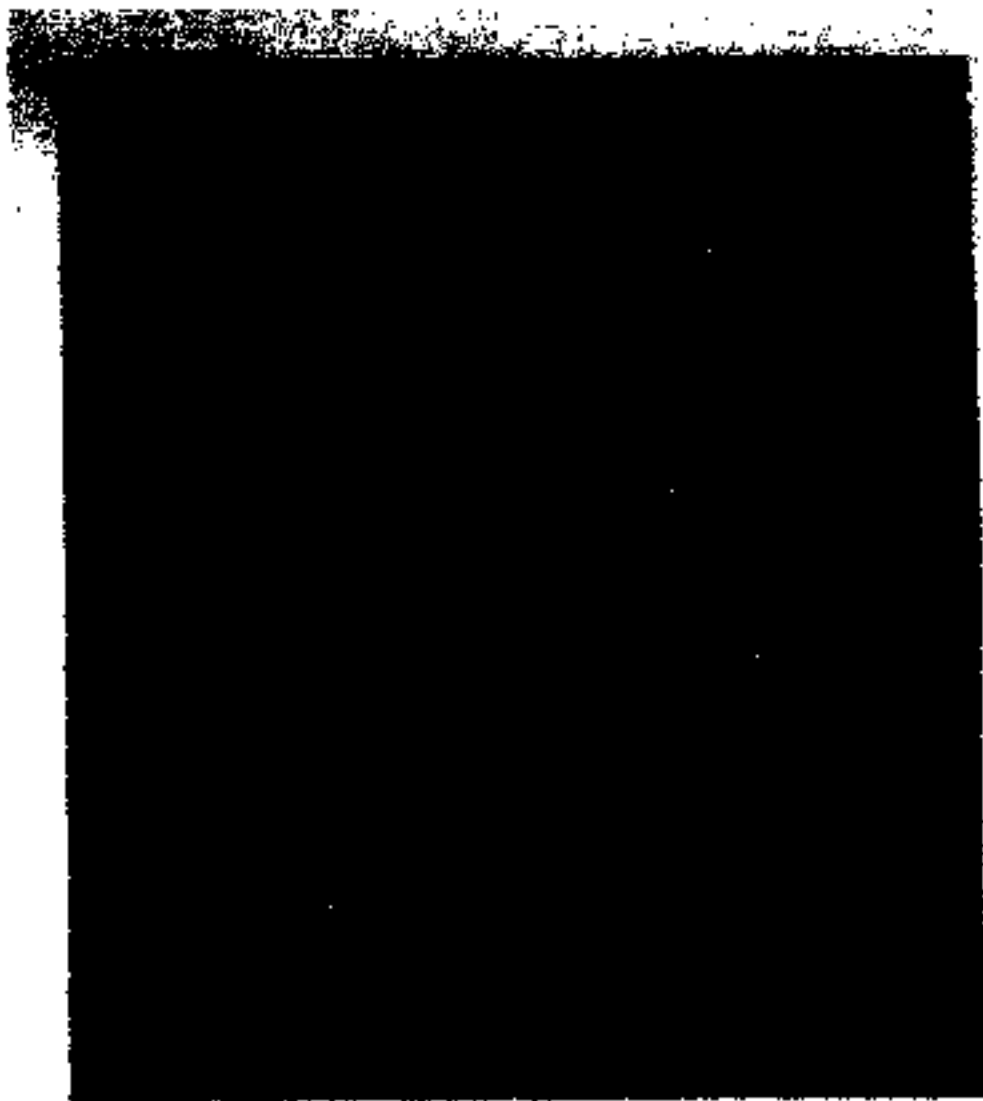
جناب محی الدین خان انیس بوسس و صاحبِ امتیاز  
جریدہ انیس



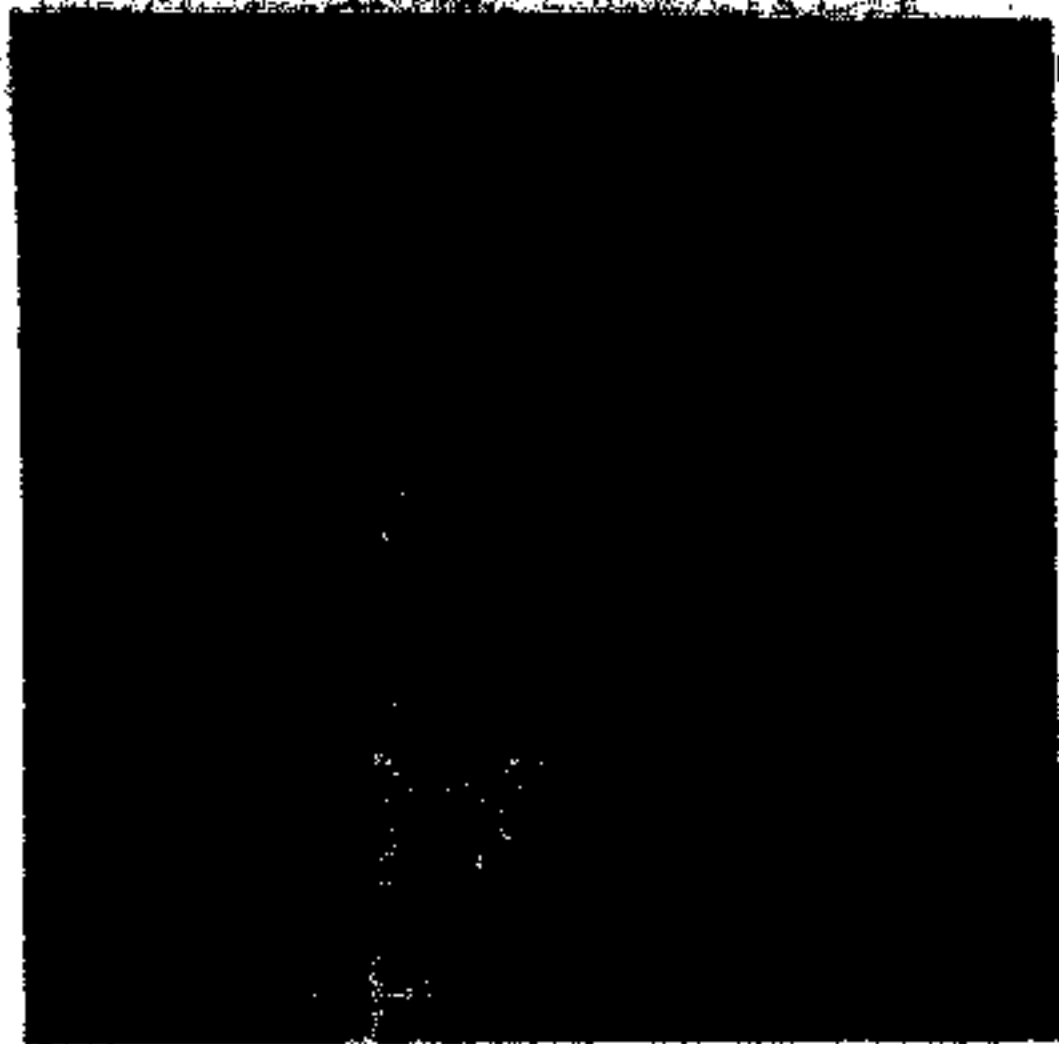
جناب سید کاظم علی صاحبِ امتیاز  
جریدہ معائن



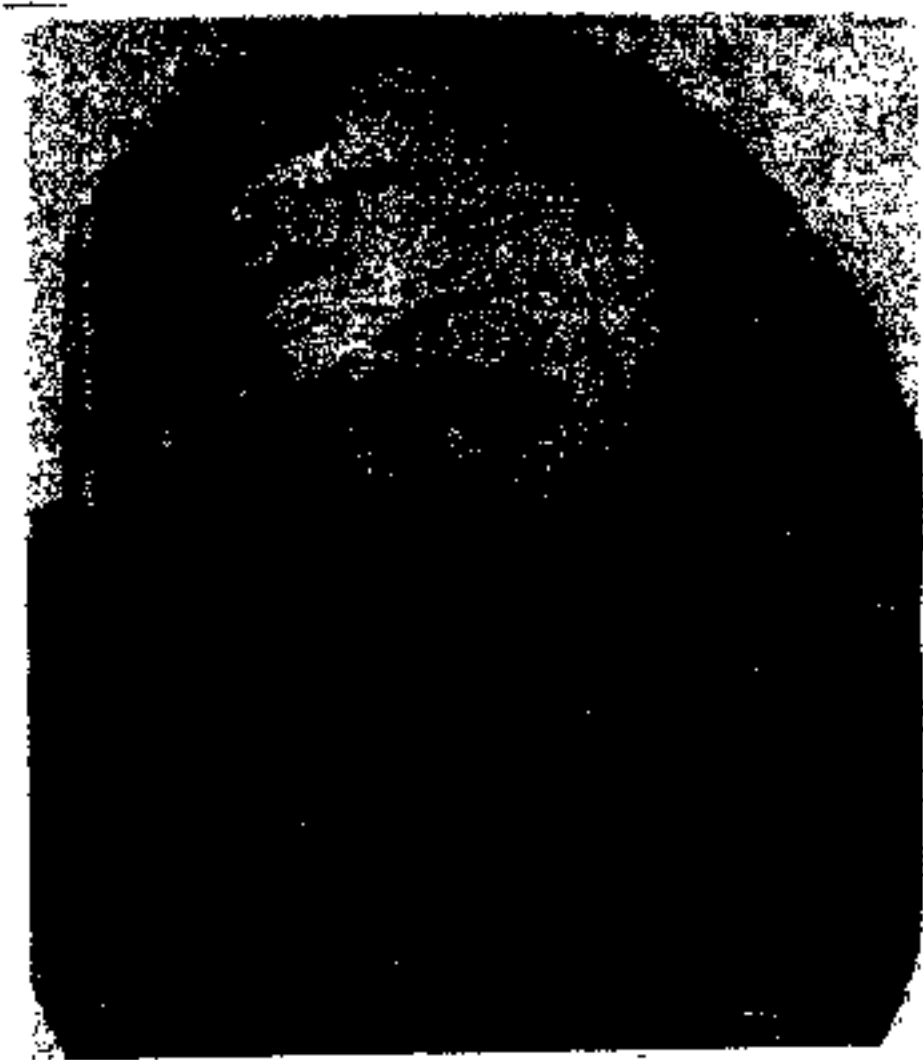
جناب محمد امین خان خجگانی مدیرِ جریدہ انیس



جناب محمد زما شخان ترکی مدیر مجلہ اقتصاد



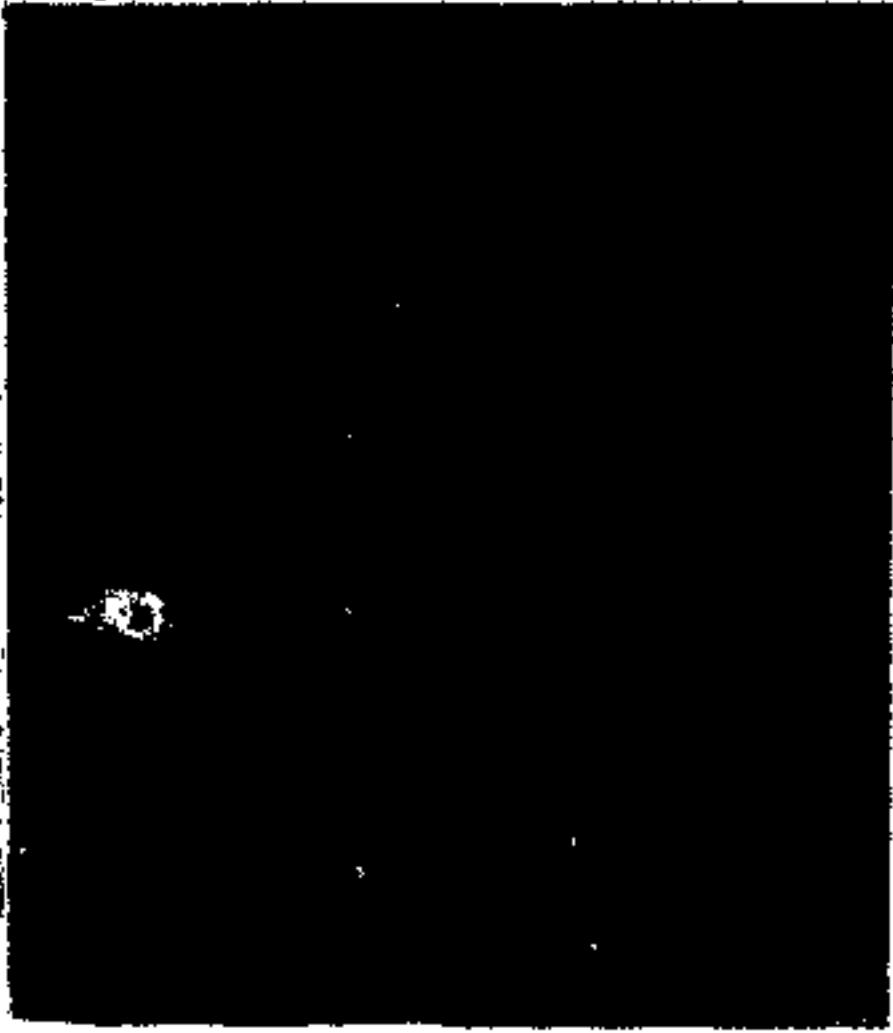
جناب ناسم سابق مدیر مجلہ شریفیہ ائمہ عرفان  
معاون ادارتالیف



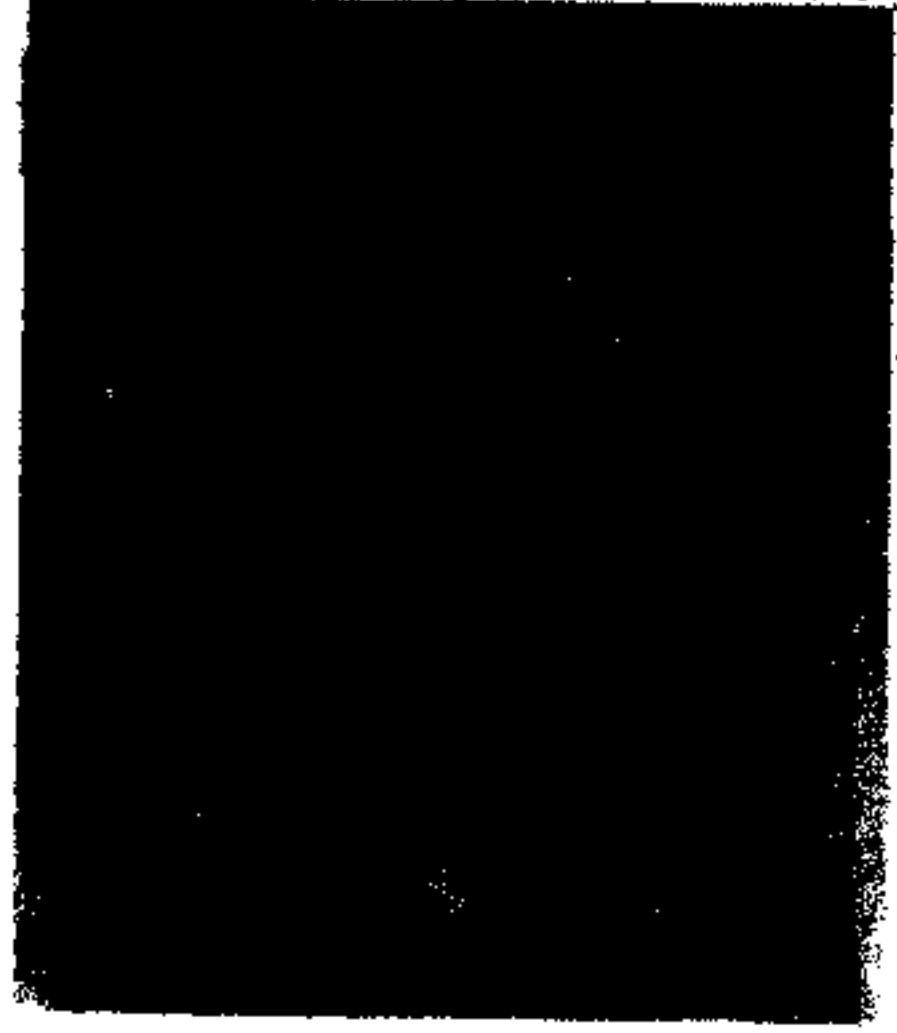
جناب میر غلام خان مدیر مجلہ شریفیہ حی علی الفلاح



جناب سید لطیفی مدیر مجلہ صحیحہ



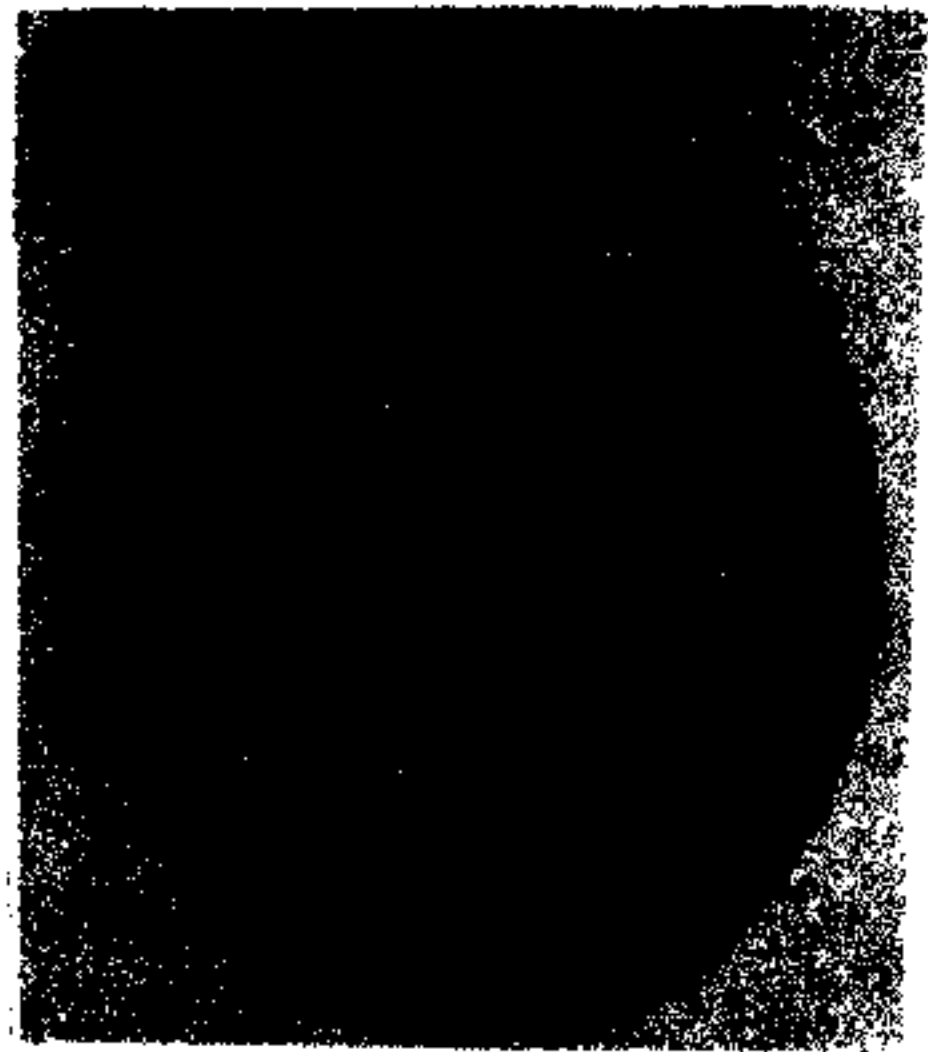
جناب شمس الدین خان قلنگی مدیر جریده اتحاد شرقی



جناب عبدالصمد خان جاوید مدیر جریده بیدار



جناب غلام جیلانی خان جلالی مدیر و نگارنده  
دوره سوم اتحاد خان آباد



جناب میر محمد عثمان سر محرر جریده اتفاق اسلام  
ہرست



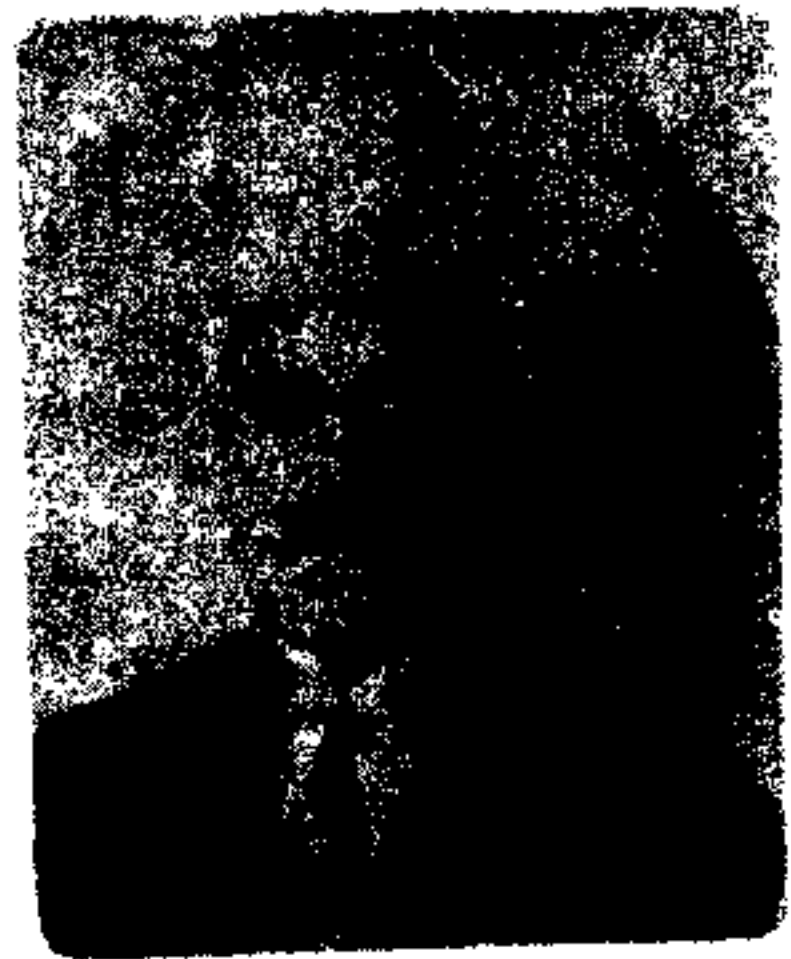
# معلمین معارف کابل



جناب فاضل مولوی جمال الدین خان عضو شعبہ دارالتألیف معارف  
که در قسمت معلومات خارجہ سالنامہ کابل امداد شایانی فرمودہ اند



جناب مولوی محمد علی خان سر معلم تاریخ و جغرافیہ دارالتألیف معارف  
که در تراجم بعضی قسمت نامہ کابل لکٹ فرمودہ اند



جناب مولوی برکت علی خان سر معلم ریاضی مکتب جمعیہ  
که در تراجم بعضی قسمت نامہ کابل لکٹ فرمودہ اند

## نظامه تاریخ جرائد

کشکی نشر گردیده و بعد ازان محمد بشیر خان و عبدالجبار خان و محمد امین خان خوگیانی یکی بعد دیگر این جریده را نشر کرده اند نگارنده فعلی آن شمس الدین خان قلعتکی است .

### ستاره افغان :

در اواسط سال ۱۲۹۹ به سر محرری میر غلام محمد خان غبار از جبل السراج نشر میگردد .

### اتفاق اسلام :

شماره اول آن بتاريخ اول سنبله ۱۲۹۹ به نگرانی مرحوم ملا احمد خان و مدیریت عبدالله خان قانع از شهر هرات نشر شده بعد ازان عبدالکریم خان احراری و صلاح الدین خان سلجوقی این جریده را نشر کرده اند و بکیار هم اسم این جریده به ( فریاد ) تبدیل یافته است و سرورخان جویا نیز نگارندگی جریده را نموده و اسم اولیه آنرا ( اتفاق اسلام ) قبول نمود نگارنده فعلی آن میر محمد عثمان الحسینی میباشد .

### بیدار :

بنام اتحاد اسلام در سنه ۱۳۰۰ شمسی در مزار شریف شایع شده نگارندگان این جریده عبدالعزیز خان ، حافظ عبدالقیوم خان مرحوم میرزا ثاقب خان ، نور محمد خان ، محمد حنیفه خان غلام حسن خان غزنوی و نگارنده فخری آن علی احمد خان منشی بوده است و بعد ازان به نگارندگی میر حیدر خان و عبدالصمد خان و عبدالرحیم خان نشر میگردد ، نگارنده حاضر آن جاهد میباشد ، این جریده بنام ( رهبر اسلام ) نیز مدت کمی نشر یافته است .

### طلوع افغان :

در شهر قند هار از اوایل سرطان ۱۳۰۰ به مدیری و سرمحرری مولوی صالح محمد خان نشر گردیده است بعد ازان عبدالعزیز خان مدیر آن بوده و چندی خواجه محمد خان بنام معاونی و مدت قلیلی سید حسین خان کفاله در غیاب مدیر وظیفه نشر را ایفا نموده اند ، و مدت کمی هم تغییر اسم یافته بنام ( مؤبد اسلام ) نشر شده است مدیر فعلی آن عبدالحی خان است و اکنون جریده مذکور بزبان افغانی نشر مییابد .

### اتحاد :

این جریده نیز یکی از مؤسسه های اعلی حضرت هایون غازی است که اولاً بنام اصلاح در خان آباد قلعین نشر میگردد اولین شماره آن از مورخه ۲۹ دلو ۱۳۰۰ و مدیر آن محمد بشیر خان میباشد و مدت قلیلی بنام ( نهضت الحیب ) هم اشاعه میشد ، عبدالرزاق خان و محمد ابراهیم خان و برهان الدین خان خوگیانی و محمد یوسف خان یکی بعد از دیگر به نشر این جریده موظف بوده اند نگارنده فخری فعلی آن غلام جیلانی خان جلالی است .

### ارشاد النسوان :

مدیره این جریده ( اسرارسمیه ) و سر محرره آن ( روح افزا ) از خانهای افغان بوده ، شماره نخستین آن در کابل بتاريخ ۲۷ حوت ۱۲۹۹ شایع شده است .

### افغان :

این روز نامه در کابل به مدیریت میرزا محمد جعفر خان قندهاری بتاريخ ۱۴ سرطان ۱۲۹۹ چندی نشر میشد .

غازی :

این اخبار بسال ۱۲۹۸ در سمت جنوبی نشر میگردد و در زمانیکه والا حضرت ع، ج، شاه محمد خان وزیر حربیه حایه دراز سمت حاکم اعلی و سر افسر نظامی بودند تاسیس گردیده بود .

ابلاغ :

یکی از نشرات رایگان کابل بوده که در سال ۱۳۰۰ آغاز به نشر و وظیفه دار ترتیب آن در اول میرزا محمد اکبر خان و ثانی سید عمداشان خان خطاط بوده است .

اخبار حقیقت :

مدیر آن برهان الدینخان کشکی بوده در تاریخ ۲۲ اسد ۱۳۰۳ اولین شماره آن در کابل نشر گردیده است .

ثروت :

مدیر آن صلاح الدینخان سلجوقی بوده اولین شماره این جریده در کابل بتاريخ اول برج قوس ۱۳۰۳ نشر شده است .

انیس :

مؤسس و نگارنده این جریده در کابل محی الدین خان انیس است که بتاريخ ۱۵ ثور ۱۳۰۶ به نشر آن پرداخته است ، بنا به علت ناخوشی محی الدین خان چندی این جریده معطل و بعد با اثر توجه اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی این جریده ملی دو باره حیات یافته و سرور خان جو با آتزا اداره و نشر نموده است ، سپس موظف نگارندگی آن محمد امین خان خوگیانی تا اینوقت میباشد .

نسیم سحر :

در قوس ۱۳۰۶ در کابل تاسیس و سر محرران احمد راتب خان بوده است .

نوروز :

شماره اول آن در کابل به اول اسد ۱۳۰۷ به مدیریت ع، ج، محمد نوروز خان سرمنشی حضور ذات هایونی و نگارندگی میرزا میر غلام خان از طبع خارج و نشر شده است .

جریده مکتب :

در سال ۱۳۰۸ در کابل تاسیس شده و نگارنده آن جلال الدینخان طرزی بوده است .

اتحاد افغان :

این اخبار در زمان اغتشاش افغانستان در چکنی در تحت اثر والا حضرت ع، ج، ا، نشان شاه محمد خان وزیر حرب و نگارندگی یعقوب حسن خان در سال ۱۲۴۷ قمری نشر میشد .

اصلاح :

مؤسس این جریده ذات اعلیحضرت هایون محمد نادر شاه غازیست که اولاً در سمت جبری بتاريخ ۱۶ اسد ۱۳۰۸ شایع گردیده ، و بعد ازان در کابل بتاريخ ۴ عترب ۱۳۰۸ مدیریت و نگارش حسن سلیمی

## اجرائی دوائر ملکتی

نشر شده و بعد ازان محمد زمانخان ترکی معاون اداره اصلاح آترا نشر نموده است سپس محمد امین خان خوگیاچی بدیر و مؤظف به نشر این جریده گردیده است .

بعد از محمد امین خان خوگیاچی برهان الدینخان کشکی به مدیریت آن منصوب شده و از تاریخ اول حمل ۱۳۱۱ هر روزه نشر و اشاعه میگردد .

### دکورغم و غیرت اسلام :

این دو جریده در زمان انقلاب در مشرق موقتاً تاسیس گردیده و نشر مییافت ( دکورغم ) در زمان والا حضرت صدراعظم صاحب بسنت مشرق باهامام ع ، ج محمد گل خان وزیر داخله حاضره و نگارندگی ع ، ش سید حسن خان حال معین سوم وزارت حربیه شایع میگشت و غیرت اسلام در زمانیکه والی علی احمد خان در سمت مشرقی بود به اداره و نگارش عبدالحکیم خان نشر میشد .

### الایمان :

در آوان اغتشاش از قریه بابری سرخ رود متصل جلال آباد بنگرانی نیک محمد خان رئیس محلی و نگارندگی جناب مولوی محمد ابراهیم خان ککامری شایع میگردد شماره اول آن از تاریخ ذیقعدہ ۱۳۴۷ قمری میباشد .

### حبیب الاسلام :

در اواخر ماه رمضان «حوت» ۱۳۰۷ اولاً به مدیریت غلام محی الدینخان انیس پس ازان بدیریت محمد حسین خان رئیس تدریسات وزارت معارف و نالاً به نگارندگی برهان الدینخان کشکی نشر میگردد .

### معارف :

تاریخ تاسیس این مجله اول سنبله ۱۲۹۸ شمسی است مدیر آن مجله در اول محمد حسین خان رئیس تدریسات وزارت معارف بوده است .

### مجموعه اردوی افغان :

این مجله در اول عقرب ۱۳۰۰ شمسی بنام مجموعه عسکری بدیریت عبداللطیف خان غند مشر نشر یافته است ، بعد ازان بدیریت و سر محرری آن ع ، ج محمد گل خان وزیر داخله حاضره که در اوقت غند مشر بودند اشاعه میگردد ، سپس به مدیری عبدالحمید خان غند مشر و محمد عمر خان غند مشر ( رئیس ارکان ) و محمد یعقوب خان مدیر شعبه ترجمه و محمد اکبر خان مدیر ترجمه نشر میشد ، اکنون از طرف یکده جوانان فاضل و تربیه شدگان نظامی افغانستان نشر و اشاعه مییابد .

### آئینه عرفان :

بدواً در جوزای ۱۳۰۳ تاسیس شده ولی بزایر معذور چند معطل مانده ، پس از چارس اعلی حضرت قادر شاه غازی دوباره از حمل ۱۳۱۰ باسطور در خشنده تری بدیریت هاشم خان شایق به نشر خود درام دارد .

مجموعه صحیفه :

تاریخ تاسیس آن اول قوس ۱۳۰۶ است ، اما مدتی دپار عوایق گردیده ، تاریخ نشر ناسی آن  
جوزا ۱۳۱۰ و په مدیریت رشیدلطیف تدوین و نشر میگردد .

پشتون ژغ :

مدیر مسئول آن فیض محمد خان ناصری است ولی یکمده از فضلائ وطنی مانند میرسید قاسم خان  
و عبدالهادیخان در نشر این مجله اشتراک داشتند ، اما متأسفانه این مجله بعد از انقلاب سمت مشرقی سقوط  
اختیار نمود .

حی علی التلاح :

این مجله شریفه اول جوزا ۱۳۰۹ تاسیس یافته سرمحرر آن محمد میر غلام خان است .

اقتصاد :

بتاریخ اول حمل ۱۳۱۰ تاسیس گردیده مدیر ونگارنده مسئول آن محمد زمانخان ترکی است .

کابل :

مجله کابل در ۱۵ جوزای ۱۳۱۰ = ۵ جون ۱۹۳۱ از شهر کابل قدم در صحفه مطبوعات وطنی  
گذاشته و باقطع و حجم مناسب وزینکو گرافی های مطبوع ماهانه در ۶۰ صفحه ( با ویره سال اول ) و ۱۰۰  
صفحه ( بدوره سال دوم ) نشر گردیده ، این مجله که حاوی مضامین علمی ، ادبی ، اجتماعی ، تاریخی بوده  
و در ودینف مطبوعات خوب افغانستان قرار دارد از « انجمن ادبی کابل » اشاءه می یابد و هنوز مراحل دوم  
از عمر خویش را می پیماید .

هرات :

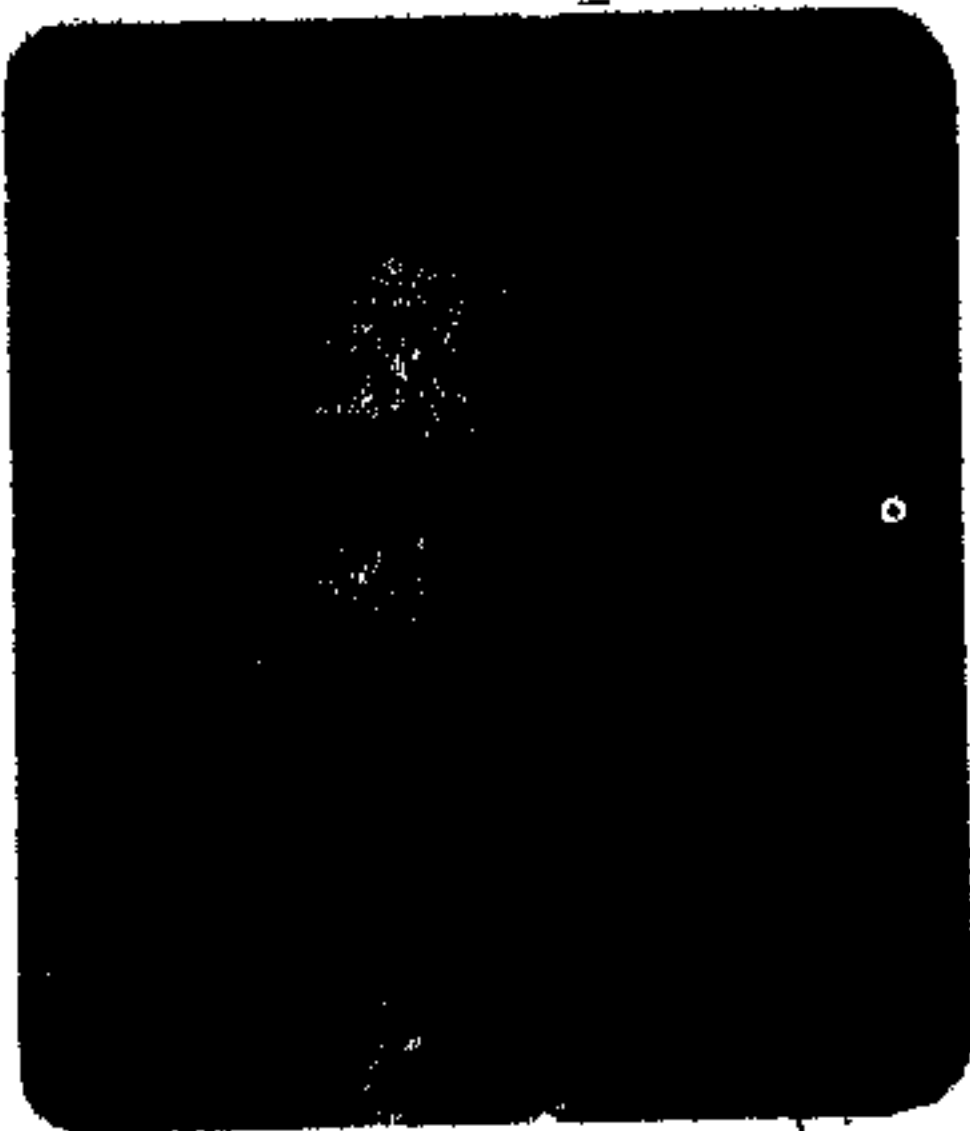
مجله ادبی هرات ۱۶ حمل ۱۳۱۱ اواین شماره خود را شایع نموده و این مجله در تحت نظارت  
قاضی محمد صدیق خان انجام مییابد .

پشتو :

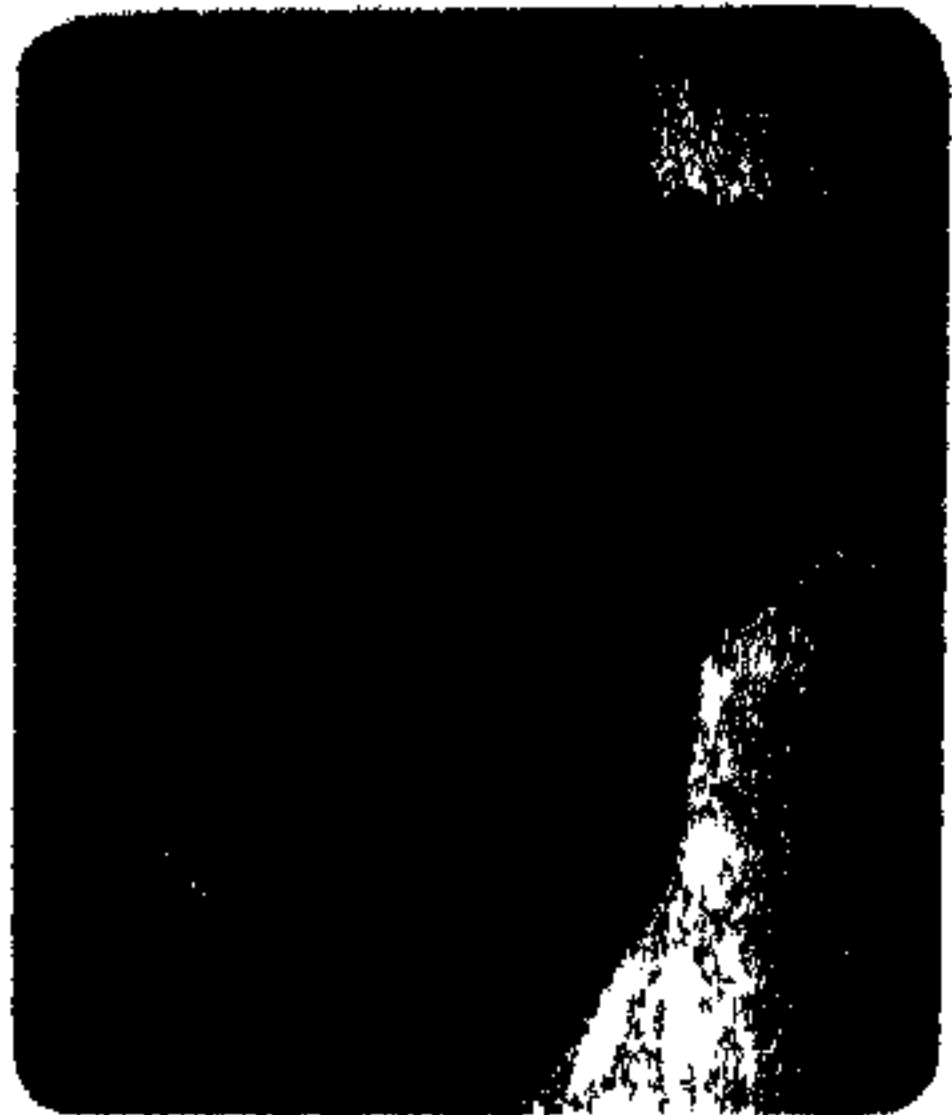
مجله پشتو اواین شماره خود را بتاریخ ۱۵ جدی ۱۳۱۱ نشر نموده است . این مجله ماهواره در تحت نظر  
انجمن ادبی قندهار نشر میگردد .



۱۱۸  
 سفرای بیمار و وزیرای مختار دولت خارجه در کابل



عالیقدر حلا آسمان آقای محمد تقی خان سفر کبیر دولت علی ایران



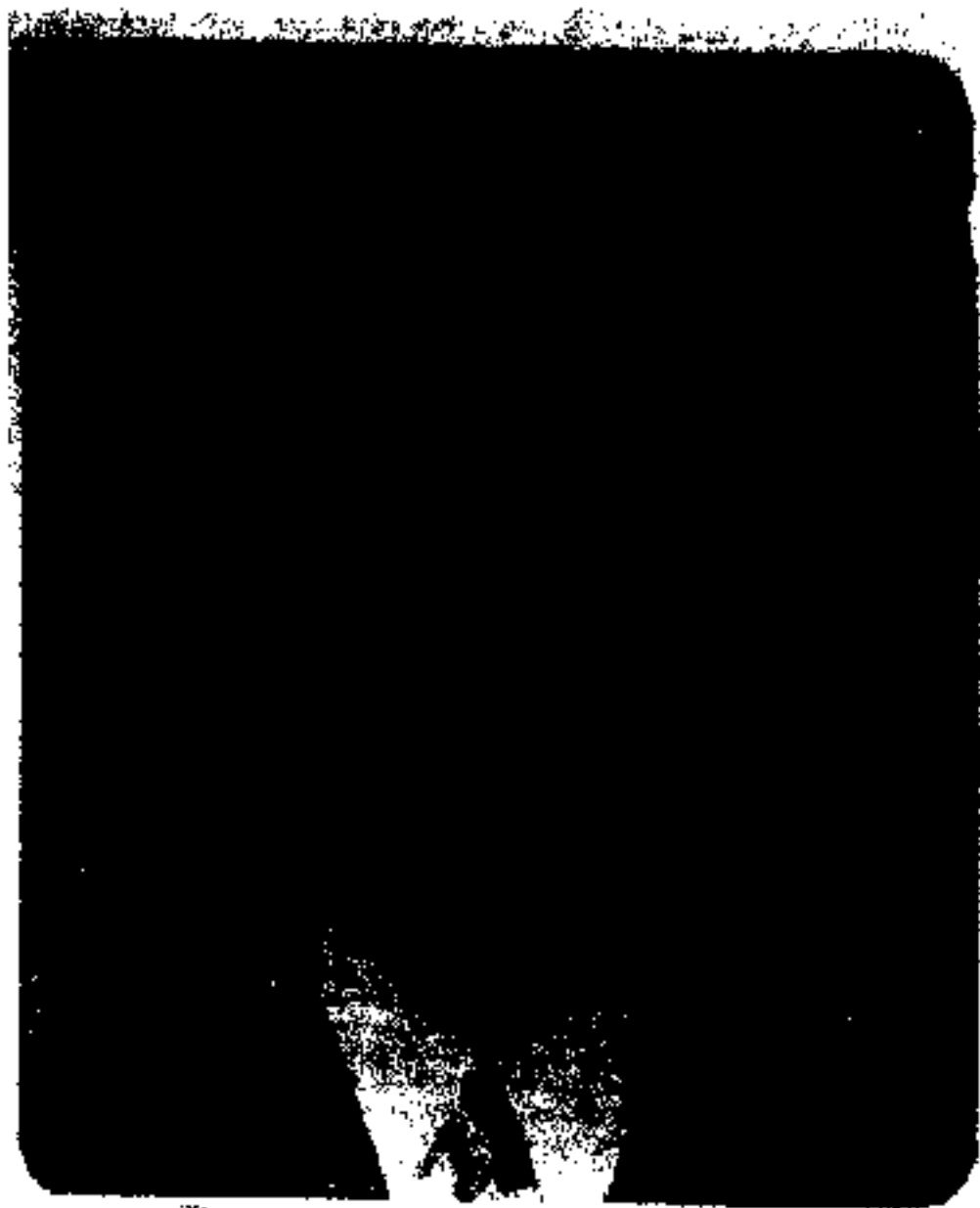
عالیقدر حلا آسمان لوند ستارگ سفر کبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی



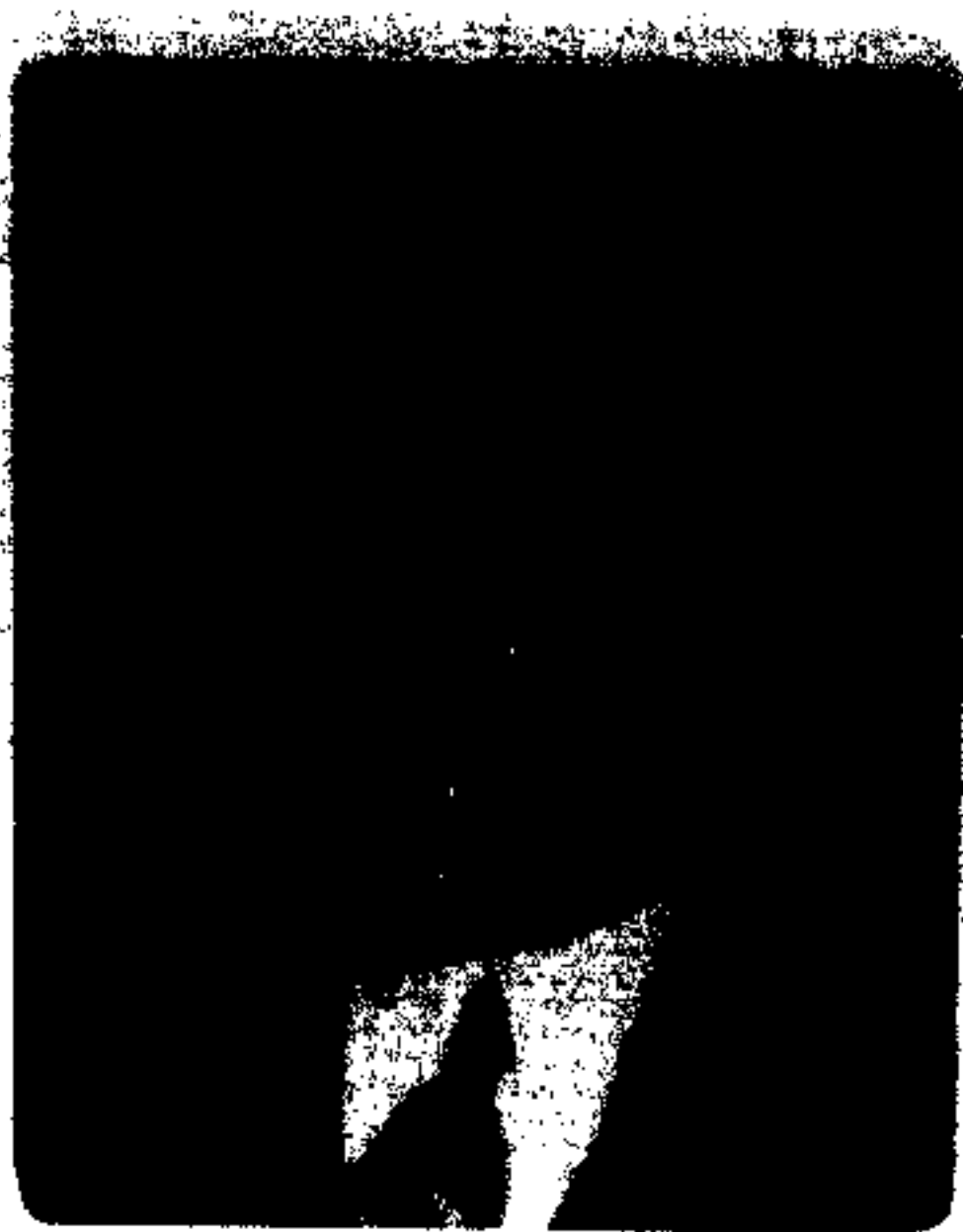
عالیقدر حلا آسمان ون جن رو کلانی وزیر مختار دولت تایلند



عالیقدر حلا آسمان سر ریچار دی کاسکی وزیر مختار دولت بیه بناما



عالیقدر جلال‌التماب جناب بودار وزیر مختار دولت ہند فرانسه



عالیقدر جلال‌التماب دکتور شوربل وزیر مختار دولت ہند آلمان



عالیقدر جلال‌التماب جناب سعد اللہ فرید بیگ شازدہ افرسفات  
کبریٰ دولت علیہ جمہوریہ تورکیا

«سفرای کبار و وزرای مختار دول خارجه در کابل»

- سفير کبير دولت اتحاد جماهیر اشتراکيه شورويه : ع ، ج آقای لیوندستارک .  
سفير کبير دولت عليه ايران : ع ، ج آقای محمد تقی خان اسفندیاری .  
وزير مختار دولت بهيه بریطانيا : ع ، ج آقای سر ریچارد میکانیکی .  
وزير مختار دولت شاهي ايطاليا : ع ، ج آقای ون چن زوکلانتی .  
وزير مختار دولت بهيه المان : ع ، ج آقای دکشور شور بل .  
وزير مختار دولت بهيه فرانسه : ع ، ج آقای بودار .  
شارژدافر سفارت کبرای دولت عليه جمهوريه ترکیه : عايقدر آقای سعدهالله فرید بیک .





## تاریخچه شهر کابل

نام کابل، اسمی است که از قرون قدیمه در صفحات جغرافیا و تاریخ آسیای کهن اخذ مقام کرده است. این نام اطلاق شهری میشد که غالباً مرکز تمدن و سلطنت پادشاهان با اقتداری بود. هر چند موقعیت سیاسیة کابل در ازمته قبل الاسلام چندان روشن و آشکارا نیست. با آن این قدر معلوم است که شهر کابل از عصرهای زیادی حتی زمانه اسکندر مقدونی در صحنه حیات موجود فی الخارج بوده است. مورخین اسکندر از آن مکرر نام برده اند، و جغرافیای بطلمیوس بقول شمس الدین سائی - از کابل بنام ( کابوره ) و ( اورتوسپانه ) تذکر داده است.

کابل از قدیم الایام معبر قاصبین و مهاجین بزرگ و مختلف دنیا واقع بوده و نفوذ ملل متفرقه هند چین، یونان، فارس، مغول را گرفته و از یک بدیگر تحویل داده است.

چنانیکه نفوذ یونان، عرب، فارس را ازین راه در هند، و نفوذ هند، چین را بفارس عزیمت داده است.

کابل نظر بموقعیت و مکان خویش از ابتدا مرکز تجارت و بر اعظم آسیا یعنی هندوستان و ترکستان بوده است و بقول هیروdot مورخ یونان مال التجاره کابل در تمام بازار های یونان و روم مشتمی داشته است. ممکن است لاجرورد افغانستان که منظور فراغت سلسله دوازده هم مصر بوده و برای نقشی و نگار قصور سلطنت بکار میرفت، بعضاً از تجارتگاه کابل بکاروان ها سپرده میشد.

### کابل در عهد یونانیان :

در حدود دو نیم قرن قبل المیلاد یعنی بعد از اسکندر و عهد دولت های یونانی - باختر ( بلخ ) بالطبع مدنیت و اقتصاد کابل رو به ترقی و عروج رفت. زیرا مدنیت یونان از همین راه در مملکت هندستان وسیع اتفاد و ادخال میگردد.

بود از آغاز قرن اول قبل المیلاد که دولت یونانیان بلخ بواسطه حمله های میدیا از شمال و یارت ها از غرب داخل دوره انحطاط و انقراض گردید. دولت آنها در صفحات جنوب هندوکش استقرار یافت، پس به ترقیات و مدنیت کابل بیشتر افزود، و این تمدن تا بلاد غزنی و بست ( گرشک ) و سیستان و سواحل سند امتداد یافت.

بعد از تحقیق و حفاریات مسیو فوشه فرانسوی در افغانستان، مسکوکات تقریبی و مین ( هرمایوس ) آخرین یاد شاه یونانی کابل بدست آمده، و به دانه آن در ۱۹۲۸ مسیحی به موزه نسیه کابل تحویل یافت. این یاد شاه در آغاز صدی اول بعد المیلاد در شهر کابل سلطنت کرده است.

واقعاً نه تنها کابل بلکه مملکت افغانستان در عهد یونانیان در منتهای عروج و ترقی بوده است. مسیو فوشه میگوید شاهد این مطالب مسکوکات دی میترسن پادشاه یونانی بلخ در سال ۱۹۰ قبل المیلاد است. ازان به بعد مسکوکات یونانی افغانستان نشان میدهد که برخلاف اوایل حکمرانی یونانیان، در بکروی سکه ها حروف یونانی، و در روی دیگر آن حروف آریانه ثبت گردیده است. این حروف آریانه به پہلوی و نه سانسکریت است. پس گفته میشود اگر نوشته جات تخت رسم فارس با نوشته جات کابل و جلال آباد مقایسه گردد معلوم میشود که نوشته های مذکور مسکوکات از آن زبان آریانی است که بعلاقه آریانه یعنی از کوه های هندوکش گرفته تا قرب و جرار برسی پولیس رواج داشته است.

این مطلب بما اینجه که یونانیان حکمدار نیز آهسته آهسته در تحت مؤثرات و عوامل مدنیت افغانستان گرفتار و آمیخته شده اند.

از سیر یونانیان در افغانستان ، این قضیه مسلم میشود که شهر کابل در آن عهدها موجود بوده ، اما کی و از طرف کجا اعمار شده ، هنوز به نویسنده موضح و آشکارا نیست . تنها میتوان فهمید که کابل نام شهری قبل از ورود یونانیان در افغانستان وجود داشته است .

در یکی از آثار آلمانی که اسم آن را فراموش کرده ام ، وقتی دیده بودم شهر کابل در ۷۷۰ قبل المیلاد از طرف پادشاه آثور سالماناسارد دوم بنا گردیده است .

### کابل در عهد کوشانی :

کابل بعد از زوال یونانیان در افغانستان تا ظهور اسلام ، مراحل مختلفی را در دوره های حکومت متعدده طی کرده است ، بعد از انقراض یونانیان سلسله بنام کوشان از طایفه تخارها ( طخارستان = قطن و بدخشان ) از شمال کابل نشأت کرده و قسمت عمده هندوستان را مسخر نمودند ، این سلسله کوشانی خود عارا حای دین بودا میدانستند ، و در ترجمه جغرافیای تاریخی فارس تالیف استاد پارتولد مستشرق شهیر روسی شرحی درین زمینه نگاشته آمده است . کابل تا قرن پنجم بعد المیلاد در تحت سلطنت کوشانی ها زندگی کرده است . مکتوبات ( تا بیکی مالیک ) پادشاه کوشانی کابل در قرن پنجم بعد المیلاد ، در موزه کابل موجود است .

در عهد سلاطین کوشانی بر علاوه مدنیت و ترقیات مادیه ، شهر کابل اهمیت بکثرت مرکزیت مذهبی را نیز پیدا کرد ، روابط مذهبی بلخ ، بامیان ، همد ، با مرکز کابل ظیم گردید ، و این مرکزیت در آن عهد خود بسی بر ترقیات کابل و جلال این شهر بیفزود .

### کابل و یفانله :

از قرن پنجم بعد المیلاد سلسله کوشانی - مثلیکه قبلاً طخارها از هندوستان طرد شده بودند - غالباً از بلاد جنوبی هندو کش نیز بجانب بلخ رانده شدند . در همانوقت از طایفه تخارها سلسله دیگری بنام یفانله - که مؤرخین عرب آنها را هیاطله خوانند - عروج و در بلخ به تشکیل سلطنتی پرداختند .

یفانله ها متعاقباً صحعات جنوب هندو کش را استیلا کردند ، و کابل تا نیمه قرن ششم بعد المیلاد در زمره بلاد مشهوره یفانله ها اصرار حیات مینمود . در نیمه قرن شش تورکان یا ساسانیان فارس متناً باستیصال دولت یفانله پرداختند . بعد از انقراض یفانله ، ترکان بر مملکت تخارستان حکه مشتمل بر ۲۷ ولایت بود تسلط یافتند ، و این تسلط تا ظهور اسلام طول کشید .

### کابل و سلطنت های بومی :

در وقتیکه ترکان بر طخارستان مسلط شدند ، در کابل يك سلطنت بومی متشکل گردید ، عمر این سلطنت تا ظهور اسلام بلکه ظهور صفاریان سیستانی امتداد یافت . کابلشاهان یعنی پادشاهان کابل در حدود فتوحات مسلمین ملقب به ( رتبل ) بودند ، و دامنه حکمرانی شان گاهی از جنوب شرقی هندو کش گرفته تا جوار هند دامنه می کشید ، نام کابل هم چنانیکه یا قوت اشاره میکند اطلاق به ولایت کابل میشد که تا حدود هند تماس مینمود . در بعض از منة معاصرین بومی پادشاهان کابل ، شاهان بومی بلخ مشهور به آل داؤد و پادشاهان گردیر بودند . سلسله اول الذکر در عهد خلفای عباس و شاهان طاهری و صفاری حتی سامانی ها مشهور بودند بآل داؤد ، چه ابو داؤد محمد این احمد در اواخر قرن نهم در بلخ سلطنت داشته است . از پادشاهان گردیزیکشور را باسم ابومنصور اقلح ابن محمد ابن خاقان ، صاحب زین الاخیار در محاربه یعزوب صفاری دگر میکند .

بهر حال از وقتی که سلاطین بومی کابل به تشکیل سلطنت پرداختند تا زمان محاربات صفاریان سیستان هیچ يك از فاتحین عرب بفتح حقیق کابل و بلاد جنوب هندو کش کامیاب شده نتوانستند ، چنانچه حجاج مشهور نیز درین زمینه ناکام ماند و صاحب طبری و هفت اقلیم بدان اشارتی می کنند تنها اعراب بگرفتن خراجی از شاه کابل فناخت می نمودند . فقط یعقوب لیث بانی سلسله صفاریان در قرن نهم بعدالمیلاد توانست در نتیجه محاربات سنگین زابلستان را لگد کوب ، و شارستان غزنی را تخریب ، و نوشار بلخ را با ابویه آل داؤد متأسفانه هدم ، و هم پادشاهی کابل را بصورت قطعی ضمیمه ممالک اسلامی ساخت ، و همین یعقوب بود که از پادشاه گردیز خراج گرفت .

اما چون سقوط سلسله صفار دو باره در شهر کابل سلطنت بومی متشکل و برقرار گردید .

سپس از کرهستان مشرقی کابل یکقوم دیگری قوت یافت که مذهب بر هم داشتند سر کرده آنها ( کالاله ) نامی بود که تاسیس يك سلسله شاهی جدید را در کابل نمودند .

در زمان سلطنت این سلسله مذهب برهما در کابل رواج یافت پادشاه آخرین اینقوم موسوم به ( جایا پانا ) ست . کابل در سنه ( ۹۷۷۵۳۶۶ م ) داخل فتوحات سبکتگین شاه ( ۳۶۶ - ۳۸۷ ) غزنی شد ازان بعد اهمیت پای تختی کابل به شهر غزنی انتقال یافت .

در سنه ۵۴۷ هـ علاؤالدین غوری غزنی را مستاصل گردانید کابل هم بدست غوریان درآمد ، در سنه ۶۱۸ که چنگیز بنغزنی رسید کابل هم بتصرف سپاه مغل درآمد .

در وقتی که امیر تیمور کورگان بنای جهانگیری را گذاشته بود کابل در تحت اداره امیر حسین ابن صلاهی بن امیر قرغنی بود . و چون امیر تیمور کورگان با امیر حسین قرابت دامادی داشت در اول باوی یکجا بکابل آمده و کابل را از دست ( پولاد بوقا و اقبوقا ) که اظهار بغاوت کرده بودند فتح نمود و نیز بعد ازانکه امیر تیمور امیر حسین را کشت خود پادشاه گردید کابل هم در تحت اداره او درآمد چندی امیر جا کو برلاس و چندی ابوسعید نامی را در آنجا گماشت .

بعد از فوت تیمور در ۸۰۷ هـ میرزا پیر محمد ابن میرزا جهانگیر بکابل پادشاه گردید ، سیور غمش که در کابل و زابل الی حدود هند والی بود در سنه ۸۳۰ وفات نمود و امیر شیخ علی مغل والی کابل شد .

پس ازان سلطنت امیر ابوسعید بهادر خان شهید رسیده ، میرزا الغ بیگ پسرش کابل را اداره می نمود در سنه ۹۰۷ مشار الیه در کابل قوت گردیده در اواخر سنه ۹۰۷ هـ محمد مقیم نام پسر امیر ذوالنون کابل را متصرف شد . ظهیر الدین محمد بابر در آخر ربیع الثانی ۹۱۰ کابل را تسخیر نمود و تا سنه ۹۳۲ کابل از طرف بابر شاه پای تخت جنوب هندو کش بود .

بتاریخ روز سه شنبه ۳ ربیع الاول ۱۱۵۱ هـ نادر شاه ترکمان در هند کی ( چهل ستون ) وارد شد و کابل را گرفت .

چون در سنه ۱۱۶۰ اعلی حضرت احمد شاه درانی پادشاه افغانستان گردید بواسطه اینکه کابل تقریباً در وسط افغانستان واقع بود میخواست مرکز را در کابل نقل بدهد . چنانچه برای همین مطالب در سنه ۱۱۶۶ هـ امر تعمیر يك دیوار بزرگ را در شهر کابل داده باهتام سردار جانخان پوپلزائی سپهسالار سرانجام آنرا گماشت .



اعلیحضرت معظم غازی در اثنای ملاحظه و نهادن سنگت تہدابِ عمارت مکتب فنونِ حریمیہ در « بالاحصار »



در نمره ( ۲۲ ) مجله کابل، انجمن ادبی درسی از قدردانسی و تقدیم تشکرات خود را بحضور اعلیحضرت غازی نسبت بتجدید تعمیر مقام تاریخی وطن (بالاحصار کابل) نگاشته و بملاحظه قارئین محترم خود رسانیده بود . .

بروز دوشنبه ( ۱۷ ) نورسال حاضر مراسم افتتاح تعمیر گذاشتن سنگ تهاداب آن بدست حقیرست هایونی صورت یافته بروزهای مابعد که برای تسطیح میدان بالاحصار عموم اعززه و اشراف، مأمورین و اهالی کابل محض نشان دادن احساس ملی و علاقه داشتن به آبادی اینخاک تاریخی دران جا برای کار کردن حاضر شده بودند نخستین کار کردن از طرف خود ذات هایونی شروع گردیده بود .

اینک مابطور بشارت بأولادوطن که از کابل دور و آنروزهای پرسرور را ندیده اند فوتوهای فوق را بملاحظه شان می‌رسانیم .





و سردار جانخان این دیوار را چهارماه دور کابل اعمار نموده و باختم رسانید ، يك ضلع دیوار مذکور از حد ماشینخانه اندرابی را در بزرگرفته الی آخر گلستان برای و ضلع دیگر حد سلاخانہ خاص و بالای زیار باه کیدانی را عبور نموده بهین وضع از ککدام حدی کج شده تا دروازه لاهوری میرسید ، همچنین قسم دیگر آن با پیچ و تاب بالای چند اول را عبور کرده در حدود ماشینخانه تمام میگردد ، و در و ازه های این دیوار از استقرار است :

در وازه قند هاری ، در ده منرنگ .

در وازه سفید ، در حد سلاخانہ خاص .

در وازه سردار جانخان ، در حد باه کیدانی .

در وازه پیت ، در حد و انتهای پشت مسجد عید گاه .

در وازه گذر گاه ، لاهوری ، خافیا ، شاه سمندها ، کبری ها ، قوت ها ، شیرازیها ، نیز در وازه های این دیوار بود .

این دیوار بزرگ یازده بهره داشت و امروز بکسسه آن که در يك گوشه اندرابی داخل عمارت است و تا بحال مانده بعضی ۳ متر میباشد ، و يك گوشه دیگر آن در مندی خر بوزه فروشی داخل خانقاه آنجا تا هنوز است .

تاریخ حصارهای کوه های کابل خوب معلوم نمیشود از ککدام زمانه است بعضی میگویند از زمانه رتیل های کابل قبل از ظهور اسلام است و بعضی میگویند بابر شاه حصار کوهها را کشیده و جهانگیر ترمیمی نموده است اما تپه حصار کوهها از زمان بابر و جهانگیر بسیار پیشتر بوده ولی این حصارها تا زمان تیمور شاه در هر دور ترمیم یافته و بعد از آن ترک شده است .

در عهد اعلیحضرت تیمور شاه اتقان در سنه ۱۱۹۰ هـ ۱۷۷۶ م رسماً کابل مرکز سلطنت قرار داده شد و دوایر از قندهار بکابل انتقال یافت ککه تا بحال بدون صنت پایه تقنی افغانستان بر قرار است و روز بروز در ترقی و عمران آن میفزاید . تنها در سال ۱۲۹۶ بسبب قتل کیوناری سنیر انگلیز بالا حصار آن که اصل کابل شمرده میشد خراب گردید .

اما تاریخ خورد کابل و بگرام در پروان که میگویند کابل قدیم بوده هنوز روشن نشده است .





تاریخهای قابل دانستن از زمانه های قبل المیلاد الی امروز

- تقل یهودیان از فلسطین به بابل بواسطه بخت النصر : ۵۸۶ ق ، ۲
- تولد بدها در هند : ۵۵۷ »
- « کنفوسیوس در چین : ۵۵۱ »
- جنگ ماراتی هافیا بین ایران و یونان : ۴۹۰ »
- تولد هیروdot مورخ یونانی : ۴۴۸ »
- جنگ اربیلا - اسکندر و دارای ۳ : ۳۳۱ »
- قتل دارای سوم : ۳۳۰ »
- سکندر در افغانستان : ۳۲۷ »
- ۳۰ میلادی صرفوع شدن حضرت مسیح : ۳۰۶ »
- جلوس قسطنطین امپراطور : ۵۳۱ »
- « خسرو اول نوشیروان : ۵۷۰ »
- ولادت حضرت رسول اکرم : ۶۲۲ »
- سال هجرت : ۶۳۰ »
- رحلت حضرت رسول اکرم : ۶۳۴ »
- جنگ یرموک - خالد ابن ولید و هراقل : ۶۳۸ »
- فتح یروشلم در زمان خلیفه ثانی : ۶۴۱ »
- فتح نهاوند بواسطه نعمان ابن مقرن : ۶۴۱ »
- ورود مسلمانان در اسپانیه : ۷۱۱ »
- فتح اول هند واسطه محمد ابن قاسم بمهر ۱۷ سالگی : ۷۱۴ »
- جنگ تور فی مابین مسلمانان و مسیحیون عبدالرحمن و شارل مارتل : ۷۳۲ »